

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

علوم و فنون ادبی ۲

درس ۱۰ : سبک هندی

سرکار خانم مرادی

تهیه کنندگان: عطیه ربیع ، مریم مهري

مهتاب ایزدی فر، فاطمه سادات میرزمانی



زادروز
فروغ فرخزاد
 شاعر نامدار معاصر ایران
 آثار و اشعار فروغ به زبان‌های انگلیسی،
 ترکی، عربی، چینی، فرانسوی، اسپانیایی،
 ژاپنی، آلمانی و عبری ترجمه شده‌اند.
 زاده‌ی ۸ دی ۱۳۱۳
 درگذشته‌ی ۲۴ بهمن ۱۳۴۵

www.cavack.com
 #CAVACKONLINE

فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد با نام اصلی فروغ‌الزمان فرخزاد در ظهر روز شنبه، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۱۳ هجری خورشیدی در تهران، خیابان عین‌الدوله، کوچه‌ی مهدیه، از پدری تفرشی و مادری کاشانی به دنیا آمد. او معروف به فروغ، شاعر نامدار معاصر ایران است. وی پنج دفتر شعر منتشر کرد که از نمونه‌های قابل‌توجه شعر معاصر فارسی هستند. **فروغ فرخزاد** در ۳۲ سالگی بر اثر واژگونی اتومبیل درگذشت.

فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب شعر نیمایی کار خود را آغاز کرد. سپس آشنایی با ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلم‌ساز سرشناس ایرانی و همکاری با او، موجب تحول فکری و ادبی در فروغ شد. وی در بازگشت دوباره به شعر، با انتشار مجموعه‌ی تولدی دیگر، تحسین گسترده‌ای را برانگیخت. سپس مجموعه‌ی ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد را منتشر کرد تا جایگاه خود را در شعر معاصر ایران به‌عنوان شاعری بزرگ تثبیت کند. آثار و اشعار فروغ به زبان‌های انگلیسی، ترکی، عربی، چینی، فرانسوی، اسپانیایی، ژاپنی، آلمانی و عبری ترجمه شده‌اند.

پوران فرخزاد خواهر بزرگ‌تر فروغ چندی پیش اعلام کرد فروغ روز هشتم دی‌ماه متولد شده و از اهل تحقیق خواست تا این اشتباه را تصحیح کنند. فروغ فرزند چهارم توران وزیری‌تبار و سرهنگ محمد فرخزاد است. از دیگر اعضای خانواده او می‌توان برادر کوچک‌ترش، فریدون فرخزاد و خواهر بزرگ‌ترش، پوران فرخزاد را نام برد. فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب چهارپاره کار خود را آغاز کرد.

فروغ در سال ۱۳۳۰ در ۱۶ سالگی با **پرویز شاپور** طنزپرداز ایرانی که پسرخاله‌ی مادر وی بود، ازدواج کرد. این ازدواج در سال ۱۳۳۴ به جدایی انجامید. حاصل این ازدواج، یک پسر به نام کامیار بود. فروغ پیش از ازدواج با شاپور، با وی نامه‌نگاری‌های عاشقانه‌ای داشت. این نامه‌ها به همراه نامه‌های فروغ در زمان ازدواج این دو و همچنین نامه‌های وی به شاپور پس از جدایی از وی، بعدها توسط کامیار شاپور و عمران صلاحی در کتابی به نام «اولین تپش‌های عاشقانه‌ی قلبم» منتشر گردید.

پس از جدایی از شاپور، **فروغ فرخزاد**، برای گریز از هیاهوی روزمرگی، زندگی بسته و یکنواخت روابط شخصی و محفلی، به سفر رفت. او در این سیر و سفر کوشید تا با فرهنگ اروپا آشنا شود. با آنکه زندگی روزانه‌اش به سختی می‌گذشت، به تئاتر و اپرا و موزه می‌رفت. وی در این دوره زبان ایتالیایی، فرانسه و آلمانی را آموخت. سفرهای فروغ به اروپا و آشنایی‌اش با فرهنگ هنری و ادبی اروپایی، ذهن او را باز کرد و زمینه‌ای برای دگرگونی فکری در او فراهم کرد.

فروغ در سال ۱۳۴۱ فیلم‌خانه سیاه است را در آسایشگاه جذامیان باباباگی تبریز می‌سازند. فروغ در سال ۱۳۴۲ در نمایشنامه‌ی شش شخصیت در جستجوی نویسنده اثر لوئیجی پیراندلو به کارگردانی پری صابری بازی چشمگیری از خود نشان می‌دهد. در زمستان همان سال خبر می‌رسد که فیلم‌خانه سیاه است برنده‌ی جایزه‌ی نخست جشنواره‌ی اوبر هاوزن شده است.

در سال ۱۳۴۳ تهیه‌کنندگان سوئدی ساختن چند فیلم را به او پیشنهاد می‌دهند و ناشران اروپایی مشتاق نشر آثارش می‌شوند. پس از این دوره، وی مجموعه‌ی تولدی دیگر را منتشر کرد. اشعار وی در این کتاب تحسین گسترده‌ای را برانگیخت؛ پس از آن مجموعه‌ی ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد را منتشر نمود.

حدود سال‌های ۱۳۴۲ فروغ یکبار دست به خودکشی زد که یک جعبه قرص گاردنال را خورد، ولی خدمتکارش در هنگام غروب متوجه شد و او را به بیمارستان البرز برد.

فروغ فرخزاد در دوران زندگی‌اش در دوره‌ی پهلوی دوم، سانسور نشد، اما پس از مرگش آثار او در دوره‌های مختلف به تیغ سانسور دچار شدند.

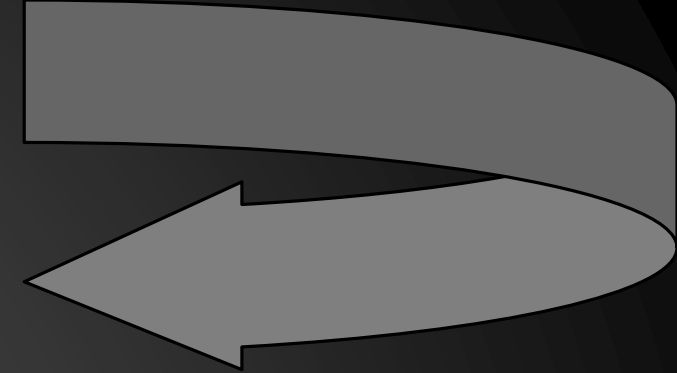
فروغ آرزوی خود را چنین بیان می کند:

«آرزوی من آزادی زنان ایران و تساوی حقوق آنها با مردان است... من به رنجهایی که خواهرانم در این مملکت در اثر بیعدالتی مردان می‌برند، کاملاً واقف هستم و نیمی از هنرم را برای تجسم دردها و آلام آنها به کار می‌برم. آرزوی من ایجاد یک محیط مساعد برای فعالیت‌های علمی، هنری و اجتماعی زنان است.»

با توجه به این‌که تطور احوال وجودی فروغ در طی دوران کوتاه زندگی خود به ما نشان می‌دهد که او به تقدیر و سرنوشت از پیش شکل‌گرفته‌ی خود راضی نبود و با جسارت و آزادی اراده در جهت تغییر ماهیت و نحوه‌ی تفکر و شخصیت خود گام برداشت. با نگاه به اصل تقدم وجود بر ماهیت و اشعار مکتوب او در دفاتر پنج‌گانه‌اش می‌توان خوانشی اگزیستانسیالیستی از زیست‌جهان فروغ داشت.

روز چهارشنبه ۲۶ بهمن جسد او را در امام‌زاده اسماعیل قلهک شستند و با حضور خانواده، دوستان و علاقه‌مندان در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپردند. صادق چوبک، ابوالقاسم انجوی شیرازی، جلال آل‌احمد، **مهدی اخوان ثالث**، **احمد شاملو**، هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرایی، **بهرام بیضایی**، نجف دریابندری، احمدرضا احمدی و بسیاری دیگر از هنرمندان و نویسندگان در این مراسم حاضر بودند.

شعر



• سبک هندی از اوایل قرن **یازدهم** تا اواسط قرن **دوازدهم** هجری قمری
به مدت **۵۰ سال** در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت.

حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه
بهایبی نمی داد.

و از طرف دیگر

با آموزه های سنتی نیز در تضاد بود.



اندرز
مضمون آفرینی
باریک اندیشی

روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به
مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها
و تمثیل های کهن به شیوه های نو در میان
شاعران رواج یافت.

از این رو، شاعران به
موضوع هایی مثل:

شعر از حوزهٔ تصرّف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت.

این تحوّل از آن جهت که شعر را به میان عامهٔ مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرد، حرکت سودمندی بود.

اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آیندهٔ ادبیات زیان‌بار بود.

شعر

ویژگی های سبک هندی

نثر

الف) شعر:



ویژگی های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

زبانی:

الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم ← که اکثراً سواد و آموخته های ادبی نداشتند

← به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه ای در زبان شعر دمیده شد.

(ب)

دایرهٔ واژگان شعر گسترش یافت ←

بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنهٔ شعر رخت بر بست؛ به نحوی که
← ((می توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است))

← و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف ویژگی های سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، **حملات پی در پی** بیگانگان (**مغولان، تیموریان و ازبکان**) به ایران، مخصوصاً **نواحی مشرق** بود که به **نابودی کتابخانه ها و از بین رفتن آثار کهن** منجر شد؛ فضلا دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند.

دومین دلیل حذف ویژگی های سبکی قدیم، **تغییر جغرافیایی حوزه های شعری** در نقاط مختلف ایران و تاثیر پذیرفتن از زبان های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل **صائب** هم که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می کردند؛ چرا که **شعر از مدرسه به بازار** آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان **زبان مردم عصر** بود.

در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و...
که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

در زبان شعر این دوره، لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان
به حوزه شعر و ادب راه یافت.

از یک سو با از بین رفتن سلطهٔ حکومت بغداد بر ایران ، کاربرد لغات عربی کم شد.

در این دوره

از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان به رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی منجر گردید؛ به خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می گفتند.

زبان سبک هندی را باید زبانی واقع گرا قلمداد کرد

زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است. ←

بی توجهی به زبان،

بی دقتی در کاربرد جمله ها و ترکیب ها،

ورود واژه های عامیانه

در مجموع می توان گفت

در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

(الف) در سبک هندی به دلیل کم توجهی شاعران کوچه بازار به آرایه های ادبی، بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کم تر استفاده شده است.

البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره استفاده از آرایه های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون سازی نقش فعالی دارد

البته تلمیحات رایج و نه تلمیحات غریب و نادر؛

دیگر آرایه های پر کاربرد این سبک عبارت اند از: حسن تعلیل ، حس آمیزی ، تمثیل و اسلوب معادله

قالب مسلط در این دوره به ظاهر، **غزل** است ← اما غزلی که گاهی به **۴۰ بیت** هم میرسد و **تکرار قافیه** در آن امری طبیعی است. دلیل این مسئله آن است که شاعر سبک هندی در حقیقت **تک بیت گوست**: یعنی قالب حقیقی شعرش **مفردات** است منتها شاعر این ادبیات مستقل را به کمک رشته قافیه و ردیف به هم گره می زند ← شاعر تک بیتی می سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد قرار می دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیبی به شعر نمیزند.

استفاده از ردیف های طولانی و خوش آهنگ نیز در شعر این دوره ،
رایج است . برای مثال :خواهم شدن، می شود پیدا،می برد مرا،دیگر
است و

فکری:

(الف)

شعر هندی معنی **گراست** نه صورت **گرا** ← شاعران بیشتر به معنی توجه دارند تا به زبان؛ معروف است که **هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد** . ← او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره به دنبال مضمون سازی، از هر چیزی در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده کردند؛ اما این ها همه **در سطح اند** و به خلق آثار معنایی بزرگی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی مولانا یا آثار عطار و سنایی و نظامی منجر نشده اند.

شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت، خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت بیشتر نمی رود و نهایت این که تحسین و اعجابی را در حد آن بیت بر می انگیزد.

شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوه خود بازگو می کردند، گاهی چنین موضوعاتی با وجود داشتن ابهام در اشعار آنان قابل درک تر و خلاصه تر بیان شده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب انگیز.

ب) نثر:

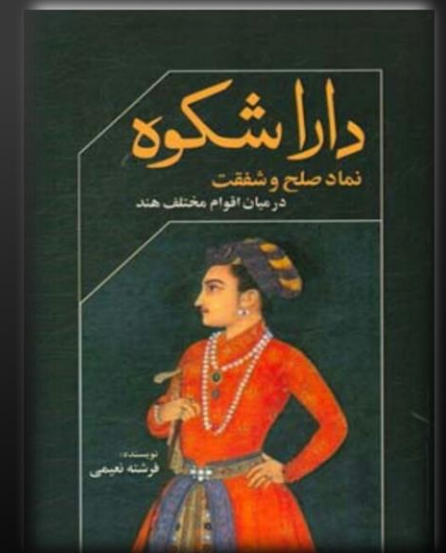
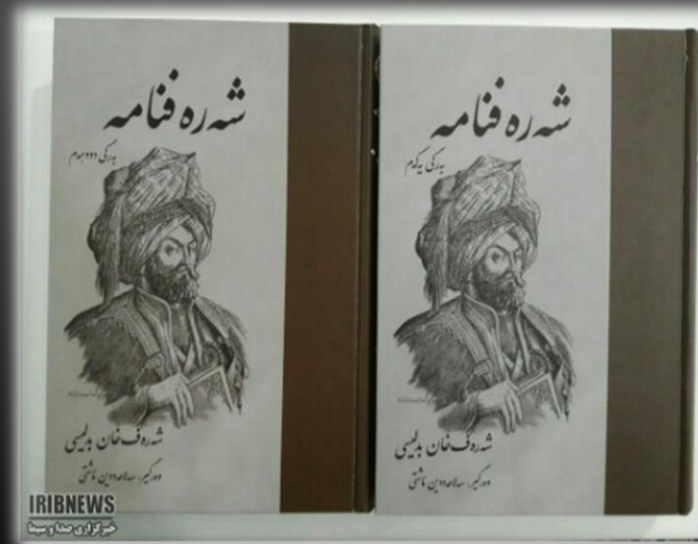


نثر کتاب های
این دوره سه
نوع است ←

مراد از نثر ساده در این دوره نثر مرسلی نیست که امثال بلعمی نوشته اند. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر کم نیست. کتاب های معروف به این شیوه:

الف) کتاب هایی که خارج از ایران نوشته شده اند:

کتاب **داراشکوه** در هند
شرفنامه بدلیسی در عثمانی
بدایع الوقایع واصفی در ماوراء النهر



ب) کتاب هایی که در داخل ایران نوشته شده اند

تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی

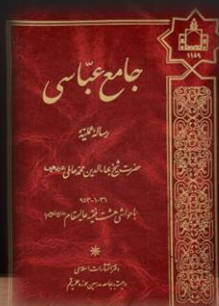
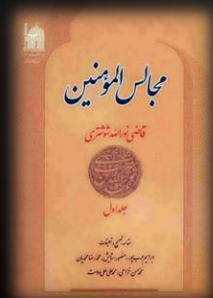
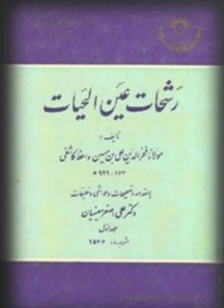
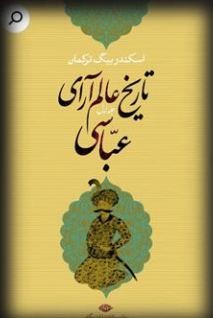
راجع به تاریخ

عالم آرای عباسی از اسکندر بیگ ترکمان

راجع به عرفان: عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی

با موضوع زندگی نامه: مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری

با موضوع فقه: جامع عباسی از شیخ بهایی

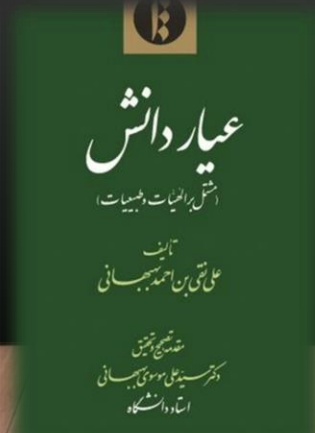
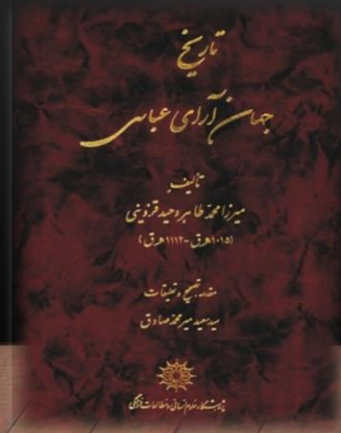


۲. مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در **فرمان ها و منشآت و دیباچه کتاب ها** استفاده می شد؛ همچنان که دیباچه آثاری مثل **شرفنامه بدلیسی** و **عیار دانش** به نثر مصنوع است.

اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده اند از همه معروف تر ((**عباس نامه وحید قزوینی**)) و ((**محبوب القلوب میرزا برخوردار فراهی**)) است.

نثر مصنوع این دوره **حلاوت و فخامت نثر فنی قرن های ۶ و ۷ را ندارد** و هر چه هست، **تکلف و بی ذوقی و غلط پردازی** است.



۳. بینابین

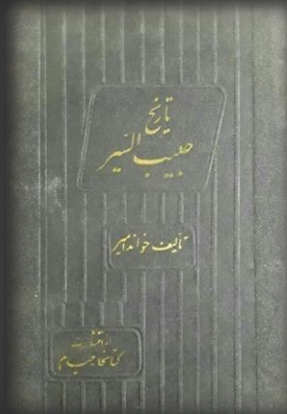
نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می توان گفت که **قصد نویسنده** در اصل، آسان نویسی بوده است.

هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمیرسد.

حبیب السیر از خواندمیر

نمونه های معروف نثر بینابین

احسن التواریخ از حسن بیگ روملو



ب) نثر:



ویژگی های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

زبانی:

۱. درهم آمیختگی نظم و نثر
۲. کاربرد وجه وصفی
۳. جمع بستن با ((ات)) که علاوه بر کلمات عربی (محاربات)، در واژه های فارسی (گیلانات) و ترکی و مغولی (بیلاقات) نیز به چشم می خورد؛
۴. مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛
۵. آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه؛
۶. آوردن جملات طولانی؛
۷. کاربرد افعال با پیشوند های متعدد؛
۸. فراوانی لغات ترکی و مغولی.

ادبی:

نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و متن های ادبی نیز با تصنع و تکلف همراه است.

انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است.

استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت ← و در آرایه تلمیح نمودار شد.

کاربرد شعر های ضعیف در متن کتاب های نثر ← که غالباً سروده خود مؤلفان بود ← رواج داشت.

بی دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چابلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخت.

آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.

فکری:

تاثیر فساد و تیره بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد به خارج از ایران و کشته شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه اینها بیانگر آن است که در **عصر اعتلای صفوی** ←
یعنی زمان شاه عباس اول ← ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند.

تاریخ نگاری این دوره از جمله عرصه هایی بود که از این حادثه بزرگ متأثر گردید؛ چنان که تواریخ عمومی این دوره در کنار نهاد های سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت **نهادینه کردن فرهنگ تشیع** گام برداشتند.

خودارزیابی

۱. ویژگی های زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده ام چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده ام
دست رغبت کس نمی سازد به سوی من دراز چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده ام
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی نبض موجم، در تپیدن بی قرار افتاده ام
عقده ای هرگز نکردم باز از کار کسی در چمن بیکار چون دست چنار افتاده ام
همچو گوهر گر دلم از سنگ گردد دور نیست دور از مژگان ابر نوبهار افتاده ام

صائب

• قلمرو زبانی:

➤ کم بودن واژگان عربی

➤ کاربرد واژگان کوچه و بازاری (روی مزار، بیکار افتاده ام)

➤ به کاربردن واژه هایی که کمتر در شعر پیشینیان به کار رفته

است. (چنار، مزار، بیکار)

➤ سادگی زبان شعر

• قلمرو ادبی:

➤ تشبیه در بیت های ۲، ۴، ۵

➤ اضافه استعاری (تشخیص): نبض موج، دست چنار

➤ مجاز: مزگان مجاز از چشم

➤ کنایه: از چشم افتادن کنایه از بی ارزش شدن

➤ کنایه: عقده از کار کسی باز کردن کنایه از مشکل کسی را حل کردن

➤ قابلیت به شمار آوردن

➤ تک بیت به عنوان مفردات (بیت ۲)

• قلمرو فکری

➤ جبرگرا

➤ شکوه از بی اعتباری روزگار و بی مهری یار

➤ احساس بی فایده‌گی و ناتوانی در گره‌گشایی از کار دیگران

➤ مضمون سازی (بیت های ۲،۴)

➤ کامل بودن معنای تک بیت ها (بیت ۴)

➤ یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب انگیز

۲. بیت های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

الف) ای گل که موج خنده ات از سر گذشته است

آماده باش گریه تلخ گلاب را

صائب

۱. تشخیص: ای گل

۲. تشخیص (اضافه استعاری): گریه تلخ گلاب

۳. حس آمیزی: گریه تلخ

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی

هنوز می پرد از شوق چشم کوکب ها

صائب

۱. تشخیص (اضافه استعاری): چشم کوکب

۲. تناسب: آسمان و کوکب

۳. کنایه: از شوق پریدن چشم ستاره ها، کنایه از چشمک زدن ستاره هاست.

۴. حسن تعلیل: چشمک زدن ستاره ها به سبب کرشمه ای است که تو در کار آسمان کردی.

۳. سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

نثر در دوره هندی اگر چه ساده است اما سادگی نثر سبک عراقی را ندارد، چرا که در نثر عراقی نویسندگان تمایل شدیدی به ساده نویسی و حتی بر گرداندن و باز نویسی کتاب های مشکل به زبان ساده داشتند. این در حالی است که سادگی نثر در سبک هندی به معنای مرسل بودن نیست؛ زیرا لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر در آن فراوان است.

به جهت ورود لغات بیگانه هر دو سبک پذیرای لغات ترکی و مغولی بودند، با این تفاوت که این گونه لغات در سبک هندی بسامد بالاتری دارند.

ساخت دستوری جملات در سبک عراقی سست و ضعیف و در سبک هندی بیشتر پیرو دستور زبان عربی است.

کاربرد وجه وصفی، مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی، جمع بستن واژگان فارسی و حتی ترکی و مغولی با علامت عربی ((ات)) از ویژگی های بارز نثر سبک هندی است.

۴. در مورد دلیل نگارش کتاب های لغت نامه در دوره هندی تحلیل کنید.

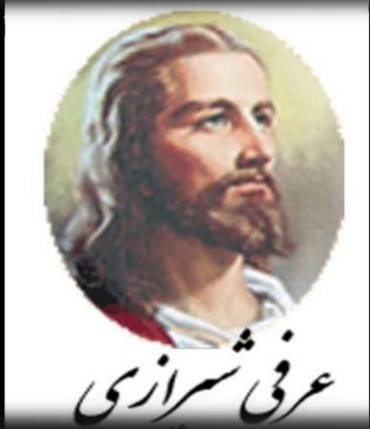
آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان ها مثل زبان مغولی، ترکی، عربی و...

نگارش کتاب هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.

(وارد شدن واژگان بیگانه منجر به تدوین فرهنگ نویسی شد.)

۵. بیت زیر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل کنید:

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار



۱. منجنیق فلک: اضافه تشبیهی

۲. سنگ فتنه: تشبیه فشرده (فتنه همانند سنگ است.)

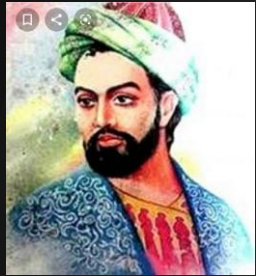
۳. شاعر فتنه های زمانه را چونان سنگ دانسته که از سنگ انداز فلک به سمت او پرتاب می شود و او با نادانی خود را پشت حصاری شیشه ای پنهان می سازد.

۴. میان ((سنگ)) و ((آبگینه)) هم تضاد وجود دارد.

۶. وزن بیت زیر را بررسی کنید:

مگر بهر شکستن بسته بودی

تو این عهدی که با من بسته بودی



تِ بو دی	کِ با مَن بَس	تُ ای نَه دی	پایه های آوایی
تِ بو دی	شِ گَس تَن بَس	مَ گَر بَه رِ	
مفاعی (فعولن)	مفاعیلن	مفاعیلن	وزن
__U	___U	___U	نشانه های هجایی

۷. متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی های
زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

از طبقهٔ عالی شعرا که ناظران مناظم سخن پیرایی و پیرانه بندگان سلسلهٔ معنی
آرایی اند در آن هنگام در اردوی معلا و ممالک محروسه، شاعران سخنور و
سخنوران بلاغت گستر بی شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنّت
مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان

ویژگی های زبانی:

۱. نثر این کتاب ساده، اما از نوع نثر ساده سبک هندی است که لغات و ترکیبات عربی در آن فراوان اند.
۲. کاربرد فراوان لغات عربی مثل: معلاً ، محروسه ، علیّه .
۳. آوردن تتابع اضافات در مقام تعریف و تمجید؛ ناظران مناظم سخن پیرایی ، پیرایه بندگان سلسه معنی آرای ، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر.
۴. مطابقت موصوف و صفت به شیوه زبان عربی : طبقه علیّه .
۵. کاربرد جمله طولانی.

ویژگی های ادبی:

۱. متن حاضر نکته قابل ذکری ندارد؛ زیر همانند دیگر آثار منثور دوره هندی به زبان عامیانه نزدیک است و ساختار ادبی آن تنها در قالب ترکیبات تصنیعی متکلفی چون : طبقه علیّه ، ناظمان مناظم ، پیرایه بندان سلسله معنی آرای ، اردوی معلا ، حضرت خاقانی جنّت مکانی نمایان شده است.
۲. اشتقاق: ناظم و مناظم
۳. مراعات نظیر (تناسب): شاعران ، ناظمان ، مناظم ، سخن پیرایی ، معنی آرای و ...

